پژوهشی دربارهٔ زیارتهای جامعه*

دکتر سید کاظم طباطبایی

دانشکدهٔ الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: tabatabaei @ ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

زیارت پیشوایان معصوم (ع) آدابی دارد. از جملهٔ آن آداب، خواندن زیارتنامه‌ها و اذکار مخصوصی است که از ائمه (ع) به دست ما رسیده است. عالمان امامی این زیارتنامه‌ها و اذکار را در مطاوی کتابهای حدیث یا در مؤلّفاتی مستقل ثبت کرده‌اند. در میان زیارتنامه‌های مأثور، زیارتهایی هست که با عنوان «زیارات جامعه» شناخته می‌شود. از میان زیارتهای جامعه، دو زیارت جامعهٔ کبیره و جامعهٔ صغیره از شهرتی ویژه برخوردار است.

نگارنده در این مقاله پس از توصیف زیارتهای جامعه، با مراجعه به کتب اهل فن مقدار اعتبار و ضعف و قوّت این دو زیارت را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که با صرف نظر از صحّت مضامین این دو زیارت، سند زیارت جامعهٔ صغیره از زیارت جامعهٔ کبیره از قوّت و استحکامی بیشتر برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارتهای جامعه، زیارتهای مخصوص، زیارتهای

---

* ـ تاریخ وصول: ۸۲/۱۱/۱۵ ؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۳/۱/۲۵ .

مطلق، زیارت جامعهٔ کبیره، زیارت جامعهٔ صغیره.

١. درآمد

«زیارت» که واژه‌ای عربی است، مصدر «زارَ یَزورُ» و به معنای «برای همدمی و مؤانست یا حاجتی به خانه یا دیدار کسی رفتن» است (أنیس، ذیل واژهٔ مورد نظر) و در فرهنگ و آیین مسلمانان و بویژه شیعیان، رفتن به مشاهد متبرّک و بقعه‌ها[1] و نیز اذکار، اوراد و دعاهایی را که به عنوان تشرّف باطنی برای پیامبران، امامان، امامزادگان و اولیاء خوانند «زیارت» گویند. بنابراین، در نظر فرد مسلمان «زیارتْ برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجّت خدا، قرار دادنِ خویشتنِ خویش است در حوزهٔ روحانیت و فیض بخشی [پیامبر و] امام» (رکنی، ص ٧). امام علی بن موسی الرضا (ع) دربارهٔ زیارت فرموده است:

«هر امامی را پیمانی در گردن اولیا و شیعیانش است. وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود»[2].

---

١. مشاهد مشرّفه حرمت و حکم مسجدها را دارد. زیرا علاوه بر اشتمال بر فوائد مساجد، به سبب کسی که در آن مدفون است، شرافتی افزون هم کسب کرده و اذکار و نماز در آن مکانها از برترین طاعات و عبادات است (سید محسن امین، ٢/٢).

٢. رَوي الحسنُ بنُ علي الوشاء عن ابي الحسن الرضا ـ علیه السلام ـ قال: اِنّ لکلّ امامٍ عهداً في عُنُق اولیائهِ و شیعتِهِ، اِنَّ من تمام الوفاء بالعهدِ زیارةَ قبورهم، فمَنْ زارهم رغبةً في زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان أئمتُهم شُفعائَهم یوم القیامة. (ابن بابویه، ***من لا یحضرهُ الفقیه***؛ به نقل از مولي محمدتقي مجلسي، ***روضة المتقین***، ٣٦٠/٥؛ همو، ***عیون اخبار الرضا***، ٢٦٠/٢ ـ ٢٦١). برای آگاهی بیشتر دربارهٔ فضیلت زیارت مشاهد

در نتیجه می‌توان ــ و بلکه باید ــ گفت: «زیارت تجدید پیمان با حجّت خدا و استوار گرداندن رشتهٔ موَدَّت و اطاعت مأموم نسبت به امام است که پیشوای فکری و علمی می‌باشد» (رکنی، ص ۲۰۸). زیارت آدابی و ترتیبی دارد. از جملهٔ آن آداب، خواندن زیارتنامه‌ها و دعاها و بر زبان راندن اذکار مخصوصی است که از ائمه (ع) بر جای مانده است. عالمان امامی این زیارتنامه‌ها و دعاها را با عین الفاظ و تعبیرات امامان در مطاوی دواوین حدیث یا در مؤلّفاتی مستقل زیر عنوان «*المزار*» یا «*کتاب المزار*» یا «*الزیارات*» ثبت و ضبط کرده‌اند (دربارهٔ این مطلب نک: آقا بزرگ تهرانی، ۳۰۴/۱۳).

۲. زیارتهای جامعه و وجه تسمیهٔ آنها

در میان این زیارتنامه‌های مأثور زیارتهایی وجود دارد که به «زیارات جامعه» مشهور است. این زیارتنامه‌ها را بدان سبب «جامعه» خوانده‌اند که متن آنها به گونه‌ای تنظیم و آموزش داده شده است که می‌توان با خواندن یکی از آنها هر یک از پیامبران و امامان (ع) را از دور یا نزدیک زیارت کرد. بنابراین، این گونه زیارتها ویژهٔ پیامبر یا امام یا مکان یا زمانی خاص نیست. (شهید اول، ص ۲۳۶؛ محمدباقر مجلسی، ۱۲۶/۹۹؛ خوانساری، ص ۹۷؛ شبّر، صص ۴۳ ــ ۴۴؛ امین، ۲۰۸/۲؛ قمی، ص ۸۹۹). زیارتنامه‌هایی که چنین خصوصیتی دارد بسیار است. برخی از مؤلفان کتب ادعیه و زیارات، فقط به آوردن یکی از این زیارتها اهتمام نشان داده‌اند (مثلاً نک: مفید، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ص ۲۳۶). امّا برخی دیگر، چند فقره از آنها را در کتابهای خویش به ودیعت نهاده‌اند.

پیامبران و امامان (ع) نک: مولي محمدتقي مجلسي، *همان کتاب*، ۳۵۸/۵ به بعد؛ السید محسن الامین، ۲/۲ ــ ۵. گفتني است که ترجمة حدیث بالا از کتاب *شوق دیدار* (ص ۱۱۷) برگرفته شد.

چنانکه ابن بابویه قمی ملقّب به «صدوق» دو فقره (*من لا یحضره الفقیه*، ۶۰۸/۲ ـ ۶۰۹؛ همو، *عیون اخبار الرضا*، ۲۷۱/۲ ـ ۲۷۸)، آقا جمال خوانساری سه فقره (*مزار*، ص ۱۰۲)، سید محسن امین چهار فقره (*مفتاح الجنات*، ۲۱۰/۲ ـ ۲۱۸)، محدّث قمی پنج فقره (*مفاتیح*، ص ۹۱۷) و مولی محمدباقر مجلسی در «باب الزیارات الجامعه» به تعداد پیشوایان معصوم (ع) چهارده فقره (*بحار*، ۲۰۹/۹۹) از این زیارتها را نقل کرده است. مجلسی پس از نقل آن زیارتها گوشزد می‌کند که زیارتهای جامعۀ دیگری هم هست که به سبب موثّق نبودن یا تکراری بودن مضامین از آوردن آنها چشم پوشیدیم (همانجا).

در این جا مناسب می‌رسد با کمال ایجاز و با همان ترتیبی که مجلسی دوم در *بحارالانوار* آورده است به توصیف این زیارتها بپردازد:

۲ ـ ۱. زیارت اوّل، که آن را در برابر زیارت «جامعۀ کبیره»، زیارت «جامعۀ صغیره» می‌نامند، زیارتی است که امام رضا (ع) آن را در پاسخ پرسش کسانی که دربارۀ چگونگی زیارت امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) پرسیده بودند به شیعیان آموخت و فرمود: در مسجدهای پیرامون آرامگاه نماز گذارید و مُجزی است در همه جا، یعنی در زیارت هر یک از ائمه، بگویید: «السلام علی اولیاء الله و اصفیائه، السلام علی امناءالله و احبّائه ...». این زیارت کوتاه با اِسنادهای زیر نقل شده است:

الف ـ ابن بابویه از ابن الولید از صفّار از علی بن حسّان از امام رضا (ع) (ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ۶۰۸/۲؛ همو، *عیون اخبار الرضا*، ۲۷۱/۲. قس: همو، *مشیخة الفقیه*، ۵۳۱/۴).

ب ـ ابن قولویه از محمد بن حسین متّ جوهری از ابو جعفر محمد بن احمد اشعری قمی از هارون بن مسلم از علی بن حسّان از امام رضا (ع) (ابن قولویه، ص ۳۱۵).

ج ـ کلینی از محمد بن یحیی از اشعری از هارون بن مسلم از علی بن حسّان از

امام رضا (ع) (کلینی، ۵۷۸/۴؛ نیز نک: الطوسی، ***تهذیب***، ۱۰۲/۶؛ مفید، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ص ۲۳۶؛ محمدباقر مجلسی، ***بحارالانوار***، ۱۲۶/۹۹ ـ ۱۲۷؛ خوانساری، صص ۹۵ ـ ۹۶؛ قمی، ص ۸۹۹. دربارهٔ شرح بعضی از مواضع این زیارت نک: مجلسی، همانجا).

۲ ـ ۲. زیارت دوم، که دارای متنی بلند و همان است که به «زیارت جامعهٔ کبیره» شهرت دارد، به نقل از امام هادی (ع) است. صدوق از دقّاق و سنانی و ورّاق و مکتّب و آنان جملگی از محمد بن ابی عبدالله کوفی و ابوالحسین اسدی و آن دو به نوبهٔ خود از محمد بن اسماعیل برمکی از موسی بن عمرانِ (یا عبدالله. نک: خویی، ۵۲/۱۹) نخعی حدیث کرده‌اند که گفت: به علی بن محمد (ع) گفتم: ای زادهٔ رسول خدا، به من سخنی بلیغ و کامل بیاموز تا وقتی خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بر زبان رانم. پس آن امام فرمود: چون به درگاه روضه رسیدی بایست و در حالتی که باید با غسل باشی شهادتین بگو. آنگاه چون داخل قبّه شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو. پس از آن با سکینه (آرامش دل)[1] و وقار (آرامش تن)[2] و با گامهای کوتاه و آهسته اندکی پیش برو. بعد بایست و سی مرتبهٔ [دیگر] الله اکبر بگو. پس از آن به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه الله اکبر بگو تا صد مرتبه کامل شود. آنگاه بگو «السلام علیکم یا اهلَ بیتِ النبوة و موضع الرسالة ...» (ابن بابویه، ***عیون اخبار الرضا***، ۲۷۲/۲ ـ ۲۷۸؛ همو، ***من لا یحضره الفقیه***، ۶۰۹/۲؛ طوسی، ***تهذیب***، ۹۵/۶؛ محمدباقر مجلسی، ***بحارالانوار***، ۱۲۷/۹۹ ـ ۱۳۴؛ خوانساری، ص ۵۹ به بعد؛ قمی، ص ۹۰۱ به بعد؛ عطاردی، صص ۲۴۷ ـ ۲۵۲). گویا سبب این تکبیرهای بسیار آن باشد که زایران از تعبیرات و مضامین امثال این زیارت، به غلوّ گرفتار نشوند یا از بزرگی حق غافل نمانند و از اصل استوار «توحید» منحرف نشوند. (قمی، ص ۹۰۱؛ رکنی، ص ۳۲۳).

---

۱. خوانساري، ***مزار***، صص ۵۹ ـ ۶۰.
۲. خوانساري، همانجا.

۲ ـ ۳. زیارت سوم، که با زیارت «جامعهٔ کبیره» در الفاظ اختلافـاتی دارد و از آن مبسوط‌تر اسـت و معلـوم نیـست از زبـان کـدام یـک از امامـان (ع) نقـل شـده اسـت (محمدباقر مجلسی، ***بحارالانوار***، ۱۴۶/۹۹ ـ ۱۵۹). مجلسی دوم دربارهٔ این زیارت گوید: «چون من این زیارت را در اصلی مصحَّح و کهن که آن را در آغاز کتاب خـود «***کتـاب عتیق***» نامیدم مبسوط‌تر و با اختلافاتی در الفاظ آن دیدم، دوسـت دارم آن را نقـل کـنم» (پیشین، ۱۴۶/۹۹).

۲ ـ ۴. زیارت چهارم، این زیارتنامه که نسبتاً کوتاه است از زبان امـام صـادق (ع) برای زیارت امام حسین (ع) و دیگر امامان نقل شده است. سند این زیارت چنین است: ابن قولویه از پدرش و گروهی از استادانش به واسطهٔ محمد عطّار و نیز ابـن قولویـه از محمد بن حسین بن متّ جـوهری و آنـان جملگـی از اشـعری از علـی بـن حـسّان از عروهٔ بن اسحاق ابن اخی شـعیب عقرقـوفی از «کـسی کـه آن را ذکـر کـرده» از امـام ابی عبدالله [= امام صادق] حدیث کرده‌اند که گفت: هرگاه به نزدیک قبر حـسین بـن علی (ع) آمدی، این جملات را که در کنار آرامگاه هر امـام دیگـری نیـز مُجـزی اسـت می‌توانی بگویی: «السلام علیک من الله، السلام علـی محمـد امـین الله علـی رسـله ...» (ابن قولویه، صص ۳۱۶ ـ ۳۱۹؛ محمدباقر مجلسی، ۱۶۰/۹۹ ـ ۱۶۲). گفتنی اسـت کـه در سند این زیارت دو اشکال به چشم می‌خورد: یکی اینکه عروهٔ بن اسحاق امامی، امـا ناشناخته است (خویی، ۱۳۸/۱۱). دیگر اینکه راوی زیارت از امام صادق (ع) نـامش در سلسلهٔ سند مذکور نیست و در نتیجه اِسناد زیارت «مرسل» است.

۲ ـ ۵. زیارت پنجم، زیارتنامه‌ای بلند است که سید بن طاووس و مؤلّـف ***المـزار الکبیر*** روایت کرده و گفته‌اند: این زیارت از ائمه (ع) روایـت شـده اسـت. ولـی معـیّن نکرده‌اند کدام یک از امامان (ع) آن را به شیعیان خود تعلیم داده‌اند (محمدباقر مجلسی، ۱۶۲/۹۹ ـ ۱۷۶). آغاز این زیارت چنین است: «الـسلام علـیکم ائمـهٔ المـؤمنین و سـادهٔ

المتّقین ...».

۲ ـ ۶. زیارت ششم، که همان زیارت معروف «امین الله» است. ابـن طـاووس بـا اسانیدی چند از جابر جُعفی از امام باقر (ع) روایـت کـرده اسـت کـه پـدرم علـی بـن الحسین (ع) سوی مشهد امیرالمؤمنین رفت و در کنار آرامگاه ایستاد. آنگـاه گریـست و گفت: «السلام علیک یا امین الله فی ارضه ...». بنا به نقل ابـن طـاووس امـام بـاقر (ع) فرموده است: «هر کس از شیعیان ما این زیارت را در کنار آرامگاه امیـر مؤمنـان (ع) یـا یکی از ائمه بخواند، آن را در نامه‌ای از نور بالا برنـد و مُهـر محمـد (ص) بـر آن زننـد و آن را محفوظ دارند تا به قائم تسلیم کنند تا سرانجام با بـشارت و تحیّـت و کرامـت صـاحبش را ملاقـات کنـد». (ابـن طـاووس، صـص ۲۴۵ ـ ۲۴۶؛ محمـدباقر مجلـسی، ۱۷۶/۹۹ ـ ۱۷۷؛ قمی، ص ۵۷۵). این روایت حاکی است که هم امیرالمؤمنین (ع) و هم دیگر امامان (ع) را با این زیارتنامه می‌توان زیارت کرد. پس این زیارت هم از زیارتهای مطلق و هم از زیارتهای مخصوص روز غدیر (شهید اوّل، ص ۱۴۹؛ کفعمـی، ص ۶۳۸) و هم از زیارتهای جامعه است (امین، ۴۲/۲؛ قمی، ص ۵۷۷؛ قـس: خوانـساری، صـص ۹۸ ـ ۱۰۲). دربارهٔ اهمیت این زیارت، مجلسی دوم گفته است: این زیارت از نظر مـتن و سند بهترین زیارتهاست. پس شایسته است مؤمنان در همهٔ روضات مقدّس ائمّه بر آن مواظبت و اهتمام داشته باشند (قمی، ص ۵۷۵؛ امین، ۴۲/۲ ـ ۴۴).

۲ ـ ۷. زیارت هفتم؛ ابن طاووس گوید: این زیارت از ابو الحـسن ثالـث [= امـام هادی] روایت شده است. در آغاز اذن ورود می‌گیری. سپس پای راست را مقدَّم بر پای چپ گذاشته داخل می‌شوی و می‌گویی: «بـسم‌الله و بـالله و علـی ملّـهٔ رسـول الله ...» (ابـن طـاووس، صـص ۲۴۶ ـ ۲۵۱؛ محمـدباقر مجلـسی، ۱۷۸/۹۹ ـ ۱۸۷؛ عطـاردی، صص ۲۵۳ ـ ۲۵۹). مجلسی پس از نقـل ایـن زیـارت اظهـار داشـته اسـت: «بـه نظـر می‌رسد آنچه سید ذکر کرده روایتی واحد [و یکپارچه] نیست، بلکه او روایتها را با هـم

جمع و تألیف کرده است» (*بحارالانوار*، ۱۸۷/۹۹).

۲ ـ ۸ . زیارت هشتم؛ ابن طاووس این زیارت را ذکر کرده و گفته است: این از سخنان امام رضا (ع) است. به گمان مجلسی دوم، او این زیارت را از خبری که عبدالعزیز بن مسلم دربارهٔ فضل و صفات امام از زبان امام رضا (ع) روایت کرده فراهم ساخته و سامان داده است. ولی چندان که باید از عهدهٔ تألیف آن برنیامده است (*بحارالانوار*، همانجا). ابن طاووس گوید: «چون خواستی که یکی از امامان را زیارت کنی در برابر ضریح او بایست و بگو: «السلام علی القائمینَ مقام الانبیاء، الوارثینَ علومَ الاصفیاء ...» (محمدباقر مجلسی، ۱۸۷/۹۹ ـ ۱۹۰).

۲ ـ ۹. زیارت نهم؛ این زیارتنامه را هم ابن طاووس در کتاب ***مصباح الزائر*** آورده و گفته است: «در برابر ضریح امام مَزور[1] می‌ایستی و می‌گویی: «اللهمّ انی اسئلک یا رافع السموات المبنیّات ...» (صص ۲۵۴ ـ ۲۵۶؛ نیز: محمدباقر مجلسی، ۱۹۱/۹۹ ـ ۱۹۴). مجلسی پس از نقل متن این زیارت اظهار می‌دارد: شاید این زیارتنامه از مؤلّفات وی [= ابن طاووس] یا امثال وی باشد. همچنان که ساختار و نظام آن بر چنین احتمالی گواهی می‌دهد (*بحارالانوار*، ۱۹۵/۹۹).

۲ ـ ۱۰. زیارت دهم؛ شیخ طوسی از طریق ابن عیّاش گوید: خیر بن عبدالله از مولای خود ابوالقاسم حسین بن روح برایم حدیث کرد که گفت: هر یک از مشاهد را که در ماه رجب در کنارش باشی زیارت کن. چون داخل شدی بگو: «الحمدلله الذی اَشْهدَنا مشهدَ اولیائه فی رجب و اوجب علینا فی حقِّهم ما قد وجب» (طوسی، ***مصباح المتهجّد***، ص ۵۷۲؛ محمدباقر مجلسی، ۱۹۵/۹۹). گفتنی است که این زیارت همان است که به «زیارت رجبیّه» شهرت دارد (قمی، ص ۲۲۶) و محدّث قمی نیز آن را زیر عنوان «زیارت پنجم جامعه» آورده است (***مفاتیح الجنان***، ص ۹۱۷).

---

۱. یعنی: زیارت شونده.

۲ ـ ۱۱. زیارت یـازدهم؛ مجلسی دوم کـه از ایـن زیـارت بـه عنـوان «زیـارت مصافقه»[۱] یاد کرده است می‌نویسد: در نسخه‌ای کهن از مؤلّفـات عالمـان امـامی مطلبـی یافتم که عین عبارت آن چنین است: «تنی چند روایـت کـرده‌انـد کـه زیـارت سـروران ما (ع) در حقیقت تجدید پیمان و میثاق مأخوذی است که بر گردن بنـدگان اسـت. راه و روش زیارت این است که زایر به هنگام زیارت امامان (ع) بگوید: جئتـک یـا مـولای زائراً لک و مسلّما علیک ...». در پایان گوید: آنگاه دو رکعـت نمـاز زیـارت بـه جـای می‌آوری و باز می‌گردی. اگر چنین کنی زیارت به سان عهد و میثاق تـازه باشـد. آنگـاه مجلسی گوید: برخی از متـأخّران ایـن زیارتنامـه را عینـاً از شـیخ مفیـد نقـل کـرده‌انـد (*بحارالانوار*، ۱۹۷/۹۹ ـ ۱۹۸).

۲ ـ ۱۲. زیارت دوازدهم؛ مجلسی گوید: این زیـارتی اسـت کـه آن را در همـان کتاب مذکور دیدم. گمان می‌رود که این از مؤلّفات عالمان و غیرمنقـول از ائمـه باشـد. این زیارت چنین آغاز می‌شود: «السلام علـی کافّـهٔ الانبیـاء و المرسـلین، الـسلام علـی حجج الله علی العالمین ...» (پیشین، ۱۹۸/۹۹ ـ ۲۰۴).

۲ ـ ۱۳. زیارت سیزدهم؛ این زیارت نیز از همـان کتـاب کهـن پیـشگفته مـأخوذ است. آغاز این زیارت چنین است: «السلام علیکم یا سادةَ المؤمنین و ائمّهٔ المتّقین ...» (پیشین، ۲۰۴/۹۹ ـ ۲۰۷).

---

۱. «مصافقه» به معناي دست به دست هم زدن دو كس به هنگام داد و ستد به نشانة اعلام موافقت است. در قديم رسم بر اين بوده است كه بيعت كننده و بيعت شونده، بسان خريدار و فروشنده، در مقام بيعت دست در دست هم مي‌نهاده اند. در اين زيارت آمده است: دست راستت را بر قبر مي‌نهي و مي‌گويي: «هذِهِ يَدَيَّ مُصافَقَةً لَكَ علي البَيْعةِ الواجبةِ عَلينا. فَاقْبَلْ ذلكَ مِنّي يا امامي». (يعني: اين دستان من است كه به نشانة بيعتي كه بر ما واجب است به سوي تو دراز مي‌كنم. اي پيشوايم، آن را از من بپذير). بدين سبب اين زيارت را «مصافقه» خوانده اند.

۲ ـ ۱۴. زیارت چهاردهم؛ این یکی نیز از همان نسخهٔ کهن پیشگفته منقول است. در آن کتاب گوید: اذن دخول می‌گیری و می‌گویی: «السلام علیکم یا محالّ معرفة الله، السلام علیکم یا مساکن برکة الله ...» (محمدباقر مجلسی، ۲۰۷/۹۹ ـ ۲۰۸).

۳. نسبت این زیارتها با یکدیگر

از رهگذر مقایسهٔ متن این زیارتنامه‌ها با یکدیگر به روشنی می‌توان دریافت که نسبت بیشتر این زیارتها با هم «عموم و خصوص من وجه» است. بدین معنا که در عین اشتراک در پاره‌ای از مواضع و فقرات در مواضعی دیگر با هم اختلاف دارند.

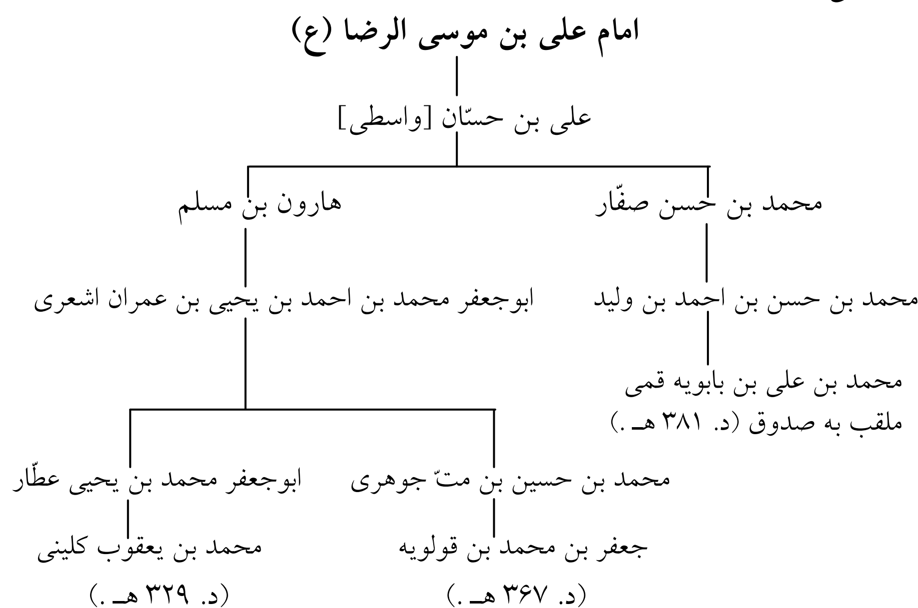
۴. داوری مجلسی دوم دربارهٔ این زیارتها

مجلسی پس از نقل زیارتهایی که در سطور بالا توصیف شد، بی‌آنکه دلیل یا دلایل خود را بیان کند، در مقام ارزیابی و داوری دربارهٔ آنها می‌گوید: «در این کتاب به عدد معصومین ـ صلوات الله علیهم ـ چهارده زیارت جامعه آوردم. ولی برترین و موثق‌ترین آنها دومی [یعنی زیارت موسوم به جامعهٔ کبیره] است و پس از آن به ترتیب زیارت اوّل [یعنی زیارت جامعهٔ صغیره]، چهارم، پنجم، ششم [یعنی زیارت امین‌الله]، هفتم، دهم و سوم است (۲۰۹/۹۹). از این رو در ادامهٔ مقاله بررسی خود را بر محور زیارت اول و دوم، یعنی زیارت جامعهٔ صغیره و جامعهٔ کبیره متمرکز می‌کند.

۵. اعتبار زیارت جامعهٔ صغیره از لحاظ سند

به نظر می‌رسد دربارهٔ صحّت مضامین زیارت «جامعهٔ صغیره» جای سخنی نباشد. زیرا درون مایهٔ این زیارت با مضامین قرآن و سنّتِ صحیح هماهنگی کامل دارد. بطوری که بسا صحّت این مضامین، ما را از بررسی سندی نیز بی‌نیاز گرداند. در عین حال، از باب پیروی از سنّت علما و برای اطمینان بخشی بیشتر به بررسی سندی زیارت مزبور می‌پردازد. در صفحات پیشین از نظر خوانندگان گذشت که زیارت جامعهٔ صغیره در بسیاری از مجموعه‌های حدیثی شیعه، از جمله در ***کافی***، ***من لا یحضره الفقیه*** و

تهذیب درج افتاده است. برای سهولت بحث و نیز بـرای آنکـه خوانندگان ارجمنـد از اسناد این زیارت تصویر روشنی در ذهن داشته باشـند، آن را بـه صـورت نمـودار زیـر نشان می‌دهد:



از نمودار بالا به روشنی هویداست که راوی کلیـدی در اِسـناد ایـن زیـارت همانـا ***علی بن حسّان*** است. پس قبل از همه باید دربارهٔ او سـخن گفـت. در اِسـناد روایـات شیعه، دو تن به نام علی بن حسّان به چشم می‌خورد. یکـی علـی بـن حـسّان هاشـمی (وابستهٔ محمد بن علی بن عبدالله بن عبّاس) که او را فاسد الاعتقاد، ضـعیف، کـذّاب و در زمرهٔ غُلات معرفی کرده‌انـد (خـویی، ۳۱۱/۱۱ ـ ۳۱۲) و دیگـری علـی بـن حـسّان واسطی که او را ثقه و شایستهٔ اعتماد دانسته‌اند (پیـشین، ۳۱۲/۱۱ ـ ۳۱۳). شـاید سـبب اینکه مجلسی دوم اِسناد این زیارت را «ضعیف» یا «مجهول» ارزیابی کرده اسـت (***مـلاذ الاخیار***، ۲۷۹/۹؛ همو، ***مرآة العقـول***، ۳۰۴/۱۸)، همـین اشـتراک و همنـامی میـان ثقـه و غیرثقه باشد. امّا از قراین به نظر می‌رسد این علی بن حسّان که در اِسناد زیارت جامعـهٔ

صغیره واقع شده است، واسطی باشد (نک: ابن بابویه، ***مشیخهٔ الفقیه***، ۵۳۱/۴). چون بنا به گفتهٔ ابن الغضایری، علی بن حسّان هاشمی فقط از عموی خود عبدالرحمن بن کثیر روایت می‌کند (پیشین، ۳۱۲/۱۱، ۳۱۵). در نتیجه با اطمینان می‌توان گفت روایت این علی بن حسّان پذیرفته و موثّق است (پیشین، ۳۱۳/۱۱؛ امینی، ***هامش کامل الزیارات***، ص ۳۱۵).

امّا طریق صدوق به علی بن حسّان به تصریح رجال شناسان صحیح است (خویی، ۳۱۵/۱۱). زیرا آنان محمد بن حسن صفّار را فردی «ثقه و عظیم القدر» و طریق صدوق را به او صحیح دانسته‌اند (پیشین، ۲۴۸/۱۵). محمد بن حسن بن احمد بن ولید نیز در غایت وثاقت است. چون رجال شناسان او را با تعبیراتی مانند: «ثقه ثقهٌ، عینٌ، مسکونٌ الیه، عارفٌ بالرجال و موثوقٌ به» ستوده و توثیق کرده‌اند (پیشین، ۲۰۶/۱۵). در طریق کلینی نیز نه تنها مشکلی به چشم نمی‌خورد، بلکه اِسناد او هم صحیح است (محمدتقی مجلسی، ۴۴۹/۵). زیرا هارون بن مسلم ثقه و از بزرگان شیعه است (پیشین، ۲۲۹/۱۹). ابوجعفر محمد بن احمد اشعری نیز بنا به گفتهٔ شیخ طوسی جلیل القدر و پر روایت (پیشین، ۴۶/۱۵) و بنا به تصریح نجاشی در حدیث ثقه است. جز اینکه از ضعفا روایت می‌کند و به مراسیل اعتماد می‌ورزد. ولی به خود او خُرده‌ای نمی‌توان گرفت (پیشین، ۴۴/۱۵). ابو جعفر محمد بن یحیی عطّار هم از مشایخ کلینی است و کلینی از او بسیار روایت می‌کند (پیشین، ۴۰/۱۵) و نجاشی او را با تعبیراتی چون: «بزرگ یاران ما در زمان خود، ثقه، عین و کثیر الحدیث» ستوده است (پیشین، ۳۰/۱۸). فقط در طریق ابن قولویه ممکن است یک نقطهٔ ابهام به نظر برسد. زیرا دربارهٔ محمد بن حسین بن متّ جوهری که از مشایخ ابن قولویه است، خبری مبنی بر مدح یا ذمّ به دست ما نرسیده است (پیشین، ۱۸/۱۶؛ امینی، همانجا). ولی به نظر نگارنده، چون جعفر بن قولویه خودْ از ثقات و در حدیث و فقه از بزرگان امامیه بوده است (خویی، ۱۰۶/۴ ـ ۱۰۷)، این

ابهام مشکلی پیش نمی‌آورد. بویژه آنکه زیارت مزبور عیناً از طریق صدوق و کلینی نیز با اسناد صحیح به ما رسیده است.

۶ . زیارت جامعهٔ کبیره

در میان زیارتهای جامعه، بی‌تردید «زیارت جامعهٔ کبیره» از شهرتی بیشتر برخوردار است. بطوری که غالباً عنوان «زیارت جامعه» به همین زیارت انصراف دارد. از همین رو دربارهٔ این زیارت با تفصیلی بیشتر سخن باید گفت.

۶ ـ ۱. درون مایهٔ زیارت جامعهٔ کبیره

همچنان که محتوای غالب زیارتها آمیزه‌ای از تعالیم خداشناختی و امام شناختی است، این زیارتنامه نیز شامل بلیغ‌ترین توصیف و کامل‌ترین نعت و بیان فضیلت ائمهٔ هدی (ع) و حاوی بهترین معانی توحیدی و یکتاپرستی است. تا آنجا که به صورتی روشن و بیانی رسا ارتباط توحید و امامت را نشان می‌دهد و فضایل ائمه همه را عطیهٔ الهی و تفضّل پروردگار معرّفی می‌کند. در این زیارت نام جلالهٔ «الله» بسیار تکرار می‌شود و به ذهن می‌نشیند و دیدهٔ دل را به روی غیرخدا می‌بندد. بطور خلاصه می‌توان گفت: توصیف کامل و معرّفی جامع خاندان رسالت، بیان معارف الهی و مفاهیم توحیدی، شهادت به فضایل ائمه، دعا و درخواست از خدا، پذیرش ولایت و تولاً به ائمهٔ نور و معرفت و تبرّا از ائمهٔ نار خمیر مایهٔ زیارت جامعه را تشکیل می‌دهد (برای آگاهی بیشتر نک: رکنی، صص ۳۴۳ ـ ۳۴۴، ۳۵۱ ـ ۳۵۳، ۳۶۵، ۳۷۸؛ شبّر، صص ۳۹ ـ ۴۰). به دیگر سخن، امام (ع) در این زیارت «شمّه‌ای از مقامات ولایت» را اظهار فرموده است (امام خمینی، ص ۴۳).

۶ ـ ۲. شروح زیارت جامعه کبیره

چون در زیارت جامعهٔ کبیره جمله‌ها و عباراتی متشابه به چشم می‌خورد که به شرح و توضیح و بیان نیاز دارد، تنی چند از دانشمندان و اهل فنّ به شرح آن مواضع و بیان مراد آنها اهتمام نشان داده و کوشیده‌اند مواضع دشوار یا چند پهلوی آن را روشن سازند. اهمّ آن شرحها از این قرار است:

۶ ـ ۲ ـ ۱. شرح مولی محمد تقی مجلسی (د. ۱۰۷۰ هـ.ق.) در خلال کتاب ***روضهٔ المتقین*** فی شرح ***من لا یحضره الفقیه*** (۴۵۱/۵ ـ ۴۹۹). وی این زیارت را در کتاب ***لوامع صاحبقرانی***، که شرح فارسی کتاب ***من لا یحضره الفقیه*** است، نیز شرح و تفسیر کرده است.

۶ ـ ۲ ـ ۲. شرح مولی محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ هـ.ق.) در خلال ***بحارالانوار*** (۱۳۴/۹۹ ـ ۱۴۴) که شرحی نسبتاً موجز است. وی فقط بعضی از لغات و مواضع مشکل را شرح داده و بنا به اظهار خودش برای پرهیز از اطاله نتوانسته حقّ آن را به شایستگی بگزارد. (۱۴۴/۹۹). مجلیس این شرح را در ***ملاذ الاخیار*** (۲۴۷/۹ ـ ۲۷۸) نیز تکرار کرده است. علاوه بر آن شرح، وی ترجمه‌ای هم از این زیارت به فارسی سامان داده است (نوری، ***الفیض القدسی***، ضمیمهٔ ***بحارالانوار***، ۵۱/۱۰۲؛ مهدوی دامغانی، ص ۱۵۰).

۶ ـ ۲ ـ ۳. ترجمه و شرح زیارت جامعه به فارسی به خامهٔ آقا جمال خوانساری (د. ۱۱۳۵ هـ.ق.) در کتاب ***مزار*** (صص ۵۹ ـ ۹۵). وی این ترجمه و شرح را برای شاه سلطان حسین صفوی (حک. ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ هـ.ق.) نگاشته است (همان، ص ۸).

۶ ـ ۲ ـ ۴. ***الاعلام اللامعه فی شرح زیارهٔ الجامعه*** به خامهٔ سید محمد بن عبدالکریم طباطبایی بروجردی جدّ سید مهدی بحر العلوم و خواهرزادهٔ علامه مجلسی.

۶ ـ ۲ ـ ۵. ***شرح الزیارهٔ الجامعهٔ الکبیره*** به خامهٔ شیخ احمد بن زین الدین احسایی (د. ۱۲۴۱ یا ۱۲۴۳ هـ.ق.) در ۴ مجلّد. این شرح مفصل‌ترین و عالمانه‌ترین شرحی

است که بر این زیارت نگاشته شده و مؤلّف در سال ۱۲۳۰ از تـألیف آن فراغـت یافتـه است. این شرح بارها به چاپ رسیده است (نک: منابع).

۶ ـ ۲ ـ ۶. ***الانوار اللامعه*** به خامهٔ سید عبدالله بن محمدرضا شُبّر حسینی (د. ۱۲۴۲ هـ .ق.). این شرح که مکرّراً به چاپ رسیده به نام ***با اختران تابناک*** به فارسی نیز ترجمه شده است.

۶ ـ ۲ ـ ۷. شرح فارسی موسوم بـه ***الـشموس الطالعـه*** بـه قلـم سـید حـسین بـن محمدتقی همدانی (د. ۱۳۴۴ هـ .ق.).

۶ ـ ۲ ـ ۸ . ***شرح زیارت جامعهٔ کبیره*** به زبان فارسی از محمدهادی فخر المحققـین شیرازی (انتشارات فدک، مشهد)[۱].

۶ ـ ۳. اعتبار زیارت جامعهٔ کبیره

پیش از اینکه در این باره سخنی بگوید، مناسب می‌بینـد اسـناد ایـن زیـارت را بـا نمودار زیر نشان دهد:

امام علی بن محمد هادی (ع)



موسی بن عبدالله (یا عمران) نخعی



محمد بن اسماعیل برمکی



محمد بن ابی عبدالله کوفی

و

۱. براي آگاهي از ديگر شروح نك: آقا بزرگ تهراني، *الذريعه*، ۱۳/۳۰۵ ـ ۳۰۶.

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی



علی بن احمد بن موسی (یا محمّد) دقّاق

و

محمد بن احمد سنانی

و

حسین بن ابراهیم بن احمد کاتب (یا مکتّب)

و

علی بن عبدالله ورّاق



ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه ملقّب به صدوق (د. ۳۸۱ هـ.ق.)



ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (د. ۴۶۰ هـ.ق.)

مجلسی دوم بدون اینکه ادلّه و مستندات خود را برای ما شرح دهد، دربارهٔ اعتبار زیارت جامعهٔ کبیره چنین داوری می‌کند: «این زیارتنامه صحیح‌ترین زیارتنامه‌ها از نظر سند و جامع‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین و والا مرتبه‌ترین آنهاست.[1]» (***بحارالانوار***، ۱۴۴/۹۹؛ همو، ***ملاذ الاخیار***، ۲۷۸/۹؛ قمی، ***مفاتیح***، ص ۹۱۱). امّا باید دانست، این زیارتنامه بر طبق اصطلاح حدیث شناسان امامی در سده‌های میانی و متأخّر مُهمل[2]

۱. «... انّها اصحُّ الزیارات سنداً و اعمُّها مورداً و افصحُها لفظاً و ابلغها معنیً و اعلاها شاناً».
۲. مهمل حدیثي است که بعضي از رجال سند آن در کتابهاي رجال ذکر نشده یا ذکر شده ولي وصفي از آنان نشده

و ضعیف الاسناد است. چنان که مجلسی خودْ نیز اسناد آن را «مجهول»[1] ارزیابی کرده است (*ملاذ الاخیار*، ۲۴۷/۹). زیرا موسی بن عبدالله [یا عمران] نخعی (ابن بابویه، *فقیه*، ۶۰۹/۲؛ طوسی، *تهذیب*، ۹۵/۶. قس: ابن بابویه، *عیون*، ۲۷۲/۲. نیز نک: خویی، ۵۲/۱۹) که راوی زیارت مزبور از امام هادی (ع) است، مُهْمَل و ناشناخته است و رجال شناسان نتوانسته‌اند دربارهٔ او آگاهیهایی به دست دهند (خویی، ۵۲/۱۹؛ احسایی، ۵/۱؛ عطاردی، ص ۳۶۷) و ظاهراً غیر از همین زیارت جامعه، از طریق وی روایت دیگری از امام هادی (ع) نقل نشده است (خویی، همانجا؛ عطاردی، همانجا).

دربارهٔ محمد بن اسماعیل برمکی هم که راوی این زیارت از نخعی است باید گفت: نجاشی وی را «ثقه» و در راه راست دانسته و ابن الغضایری او را «ضعیف» معرّفی کرده است. امّا برخی از رجال شناسان معاصر به سبب آنکه کتاب منسوب به ابن الغضایری نسبتش به او به اثبات نرسیده، توثیق نجاشی را بلا معارض تلقّی کرده‌اند (خویی، ۹۴/۱۵ ـ ۹۵. نیز نک: محمدتقی مجلسی، ۴۵۲/۵). این توثیق کم‌رنگ می‌تواند تا اندازه‌ای مشکل ناشناخته بودن نخعی را، که راوی کلیدی زیارت مورد بحث است، جبران کند. ولی مشکل دیگری که در راه «تحسین» یا «توثیق» اینِ اسناد به چشم می‌خورد، این است که طریق صدوق به محمد بن اسماعیل برمکی (*مشیخة الفقیه*، ۵۱۲/۴) ناصحیح است. زیرا دربارهٔ مشایخ صدوق در این طریق توثیقی به ما نرسیده است (خویی، ۹۳/۱۵). بنابراین، بر پایهٔ روشهای حدیث شناسان متأخّر ظاهراً راهی برای «توثیق» اِسناد این زیارت به نظر نمی‌رسد.

باشد (مدير شانه‌چي، ص ۸۸).

۱. مجهول كه از اقسام حديث ضعيف است، حديثي را گويند كه نسبت به عقيده و مذهب بعضي از افراد سلسلة سند آن در كتابهاي رجال ذكري نشده باشد و مدح يا قدحي به چشم نخورد (مدير شانه‌چي، همانجا).

امّا از نظر محدّثان سده‌های چهارم و پنجم مانند «محمدون ثلاثهٔ نخستین» که حدیث را فقط به صحیح و غیرصحیح تقسیم می‌کرده‌اند، ظاهراً صحیح یا مقبول به شمار می‌آمده است. زیرا آنان در آن روزگار به سبب نزدیکی به زمان معصومین (ع) قراین مرجّحه‌ای در اختیار داشته‌اند[1] یا این زیارت را در اصول و کتابهای معتبری که در اختیارشان بوده است دیده و بدان اعتماد کرده‌اند. به همین سبب، شیخ احمد احسایی برای اثبات صحّت روایت به عمل صدوق استدلال می‌کند و می‌گوید: «این روایت از نظر ما صحیح است. زیرا صدوق بدان اعتماد کرده و آن را در ***من لا یحضره الفقیه*** که میان خود و خدا حجّت قرار داده به ودیعت نهاده است. بنابراین، اعتماد صدوق خودْ از مرجّحات و از قراین تقویت کننده است. افزون بر آن، فرقهٔ مُحقّه [= شیعهٔ امامیه] آن را تلقّی به قبول کرده‌اند. بطوری که نه کسی را می‌توان یافت که آن را انکار یا در آن توقّف کرده باشد. بلکه اگر فرد بصیر و ناقد بخواهد بر صحّت آن ادّعای اجماعِ کاشف از قول معصوم کند می‌تواند» (احسایی، ۵/۱ ـ ۶).

گفتنی است که بسیاری از عالمان از باب «تسامح در ادلّهٔ سنن»[2] خود را از بررسی سندی این قبیل زیارتها بی‌نیاز دانسته یا برای اثبات صحّت زیارت به الفاظ فصیح و تعبیرات بدیع و معارف و مضامین و معارف والایی که در آن زیارتها نهفته است استدلال می‌کنند. چنانکه مجلسی پس از آنکه اِسناد این زیارت را «مجهول» ارزیابی می‌کند، بی‌درنگ می‌افزاید: «ولی این زیارت خودْ شاهدی عادل بر صحّت آن است (***ملاذ الاخیار***، ۲۴۷/۹). یکی از شارحان زیارت

۱. دربارهٔ قراین و شروط صحّت حدیث نزد محدّثان قدیم نک: مدیر شانه‌چی، صص ۴۸ ـ ۴۹ (پاورقی).

۲. برای آگاهی از این قاعده نک: ابوالفضل میرمحمدی، «*تسامح در ادلّهٔ سنن*»، *مقالات و بررسیها*، دفتر ۴۸ ـ ۴۷، ۱۳۶۸ هـ . ش. ، صص ۱ ـ ۱۷.

جامعه در همین خصوص می‌نویسد: «بدان که این زیـارت شـریفه بـه بررسـی و ملاحظهٔ سند نیاز ندارد. زیرا فصاحت معنا و بلاغت مضمون آن، ما را از جـست و جو در کیفیت سندش بی‌نیاز می‌گرداند» (شبّر، ص ۴۳). وی همـین معنـا را در جای دیگر تکرار کرده و نوشته است: «این زیارت ماننـد ***نهـج البلاغـه*** و ***صـحيفهٔ سجّاديه*** و بیشتر ادعیه و مناجاتها، فصاحت مضمون و بلاغـت مـدلولش مـا را از جست و جو در سندش بی‌نیاز می‌سازد». (پیشین، ص ۴۱). شیخ احمد احـسایی با آنکه سند این زیارت را طبق موازین محدّثان قدیم امامی صـحیح مـی‌دانـد، بـر صحّت مضامین نیز تأکید بسیار دارد. او بر عبارات پیشگفته می‌افزاید: «افـزون بـر آن، الفـاظ و عبارتهـای ایـن زیـارت از فـصاحت و بلاغـت و اسـرار و معـانیی برخوردار است که فرد آگاه به دقایق یقین می‌کند که این از کلام معصوم است و چنین سخنی از غیر معصوم صادر نمی‌شود» (احسایی، ۶/۱. قـس: شـبّر، ص ۳۹؛ خوانساری، ص ۱۰۲). او در عین حال که «از باب تـیمّن بـه سـنن علمـا» سـند زیارت جامعه را بررسی کرده است (احـسایی، ۳/۱ ـ ۵)، بـر بـی‌نیـازی زیـارت مزبور از بررسی سندی تأکید می‌ورزد و می‌نویـسد: «ایـن زیـارت جامعـه میـان شیعیان شهرت دارد. بطوری که به سبب اشتهارش از بیان سند و اثبـات صـحّتش بی‌نیاز است. این زیارت نزد همهٔ شیعیان پذیرفته است و در این بـاره مخـالف و معارضی وجود ندارد. با آنکه مشتمل بر معـانی غریـب و اسـرار دشـوارْ فهـم و شگفت‌آوری است که بسیاری از ایشان در غیر این زیارت آن را انکار مـی‌کننـد» (احسایی، ۲/۱).

در پایان، ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست کـه مجلـسی اول در شـرح ***من لا يحضره الفقيه*** تجربه‌ای را که در رؤیا (میان خواب و بیداری) دربارهٔ زیارت جامعه و فضیلت آن برایش حاصل شده است گزارش کرده و آن را از مؤیّـدات و مرجّحات ایـن زیـارت شـمرده اسـت. او پـس از گـزارش آن مکاشـفه یـا رؤیـا

می‌نویسد: «نتیجه اینکه با تأیید صاحب الامر (ع) مرا تردیدی نیست که این زیارت از ابوالحسن الهادی ـ سلام‌الله علیه ـ است و آن کامل‌ترین و بهترین زیارتهاست. بلکه پس از آن رؤیا، من در بیشتر وقتها امامان را ـ که درودهای خدا برایشان باد ـ با این زیارتنامه زیارت می‌کنم و در عتبات عالیات آنان را جز با این زیارتنامه زیارت نمی‌کردم» (محمدتقی مجلسی، ***روضة المتقین***، ۴۵۲/۵؛ احسایی، ۶/۱ ـ ۷؛ قمی، ۹۱۱ ـ ۹۱۲). بنابراین بعید به نظر نمی‌رسد که مجلسی دوم، به رغم آنکه اسناد زیارت مورد بحث را ضعیف ارزیابی کرده است، با استناد به همین مکاشفه و رؤیای پدرش، آن را «از نظر سند صحیح‌ترین زیارتها» قلمداد می‌کند. البته ناگفته پیداست که رؤیا تجربه‌ای شخصی است و شاید نتوان در مقام نفی و اثبات چیزی بدان تمسک و استدلال کرد. هر چند برای شخصی که چنین چیزی را تجربه کرده است اطمینان بخش باشد.

۷. نتیجه

فرجام سخن اینکه از رهگذر مطالعهٔ رجال شناختی و بررسی اسناد دو زیارت جامعهٔ کبیره و صغیره و مقایسه احوال راویان موجود در طریق این دو زیارت، بویژه از مقایسهٔ احوال علی بن حسّان راوی کلیدی زیارت جامعهٔ صغیره و موسی بن عبدالله نخعی راوی کلیدی زیارت جامعهٔ کبیره، می‌توان نتیجه گرفت که زیارت جامعهٔ صغیره نسبت به جامعهٔ کبیره از نظر سند از قوت و استحکامی بیشتر برخوردار است. هر چند که صحّت مضامین ادعیه و زیارتها خودْ می‌تواند برای اهل ایمان اطمینان آور باشد.

منابع

ـ آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ ***الذریعه***، به کوشش علی نقی منزوی، تهران ـ نجف، ۱۳۴۰ش/۱۹۶۲م.
ـ ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین؛ ***عیون اخبار الرضا***، به کوشش سید مهدی

حسینی لاجوردی، قم، ۱۳۷۷ق.

ـ ــــــــــــــــــــــــــ ؛ ***من لا یحضره الفقیه***، به کوشش علی اکبر غفّاری، مکتبهٔ الصدوق، تهران، ۱۳۹۴ ـ ۱۳۹۲ق.

ـ ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد؛ ***کامل الزیارات***، بـه کوشش عبدالحسین امینی تبریزی، نجف، ۱۳۵۶ق.

ـ الامین الحسینی العاملی، السید محسن؛ ***مفتاح الجنّات***، الطبعهٔ الثانیهٔ، دمشق، بی‌تا.

ـ انیس، ابراهیم و دیگران؛ ***المعجم الوسیط***، الطبعهٔ الثانیهٔ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

ـ خمینی، امام روح الله؛ ***تفسیر سورهٔ حمد***، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار، تهران، ۱۳۷۸ش.

ـ خویی، آیةالله سید ابوالقاسم موسوی؛ ***معجم رجال الحدیث***، الطبعهٔ الثانیهٔ، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

ـ رکنی، محمد مهدی؛ ***شوق دیدار: مباحثی پیرامون زیارت***، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۲ش.

ـ شُبّر، سید عبدالله؛ ***با اختران تابناک*** (ترجمهٔ ***الانوار اللامعهٔ***)، ترجمهٔ عباسعلی سلطانی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۶۷ش.

ـ الشهید الاول، محمد بن مکّی العاملی؛ ***المزار***، به کوشش محمود البدری، الطبعهٔ الاولی، مؤسسهٔ المعارف الاسلامیهٔ، قم، ۱۴۱۶ق.

ـ الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن؛ ***تهذیب الاحکام***، نجف، ۱۳۷۷ق.

ـ ــــــــــــــــــــــــــ ؛ ***مصباح‌المتهجّد***، چاپ سنگی، مطبعهٔ علمی، تهران، ۱۳۳۸ق.

ـ عطاردی، عزیزالله؛ ***مسند الامام الهادی***، الطبعهٔ الثانیهٔ، دار الصفوة، بیروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.

ـ قمی، شیخ عباس؛ ***مفاتیح الجنان***، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۸ش.

ـ الکفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی العاملی؛ ***المصباح فی الادعیهٔ و الصلوات و الزیارات***، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.

ـ الکلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ ***الکافی***، به کوشش علی اکبر غفّاری، تهران، ۱۳۷۷ق.

ـ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ ***بحارالانوار***، الطبعهٔ الثالثهٔ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

ـ ــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ ؛ *ملاذ الاخيار فی فهم تهذيب الاخبار*، به كوشش سيد مهدی رجايی و سيد محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۷ق.

ـ ــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ ؛ *مرآة العقول*، الطبعة الاولی، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق/۱۳۶۶ش.

ـ مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی؛ *روضة المتقين*، به كوشش سيد حسين موسوی كرمانی و علی پناه اشتهاردی، بنياد فرهنگ اسلامی كوشانپور، بی‌تا.

ـ مدير شانه‌چی، كاظم؛ *دراية الحديث*، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۳ش.

ـ المفيد، ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان؛ *كتاب المزار*، الطبعة الاولی، مؤسسة الامام المهدی، قم، ۱۴۰۹ش.

ـ مهدوی دامغانی، محمود؛ «نگاهی به پاره‌ای از آثار فارسی علاّمه مجلسی»، *نشرية دانشكدة الهيات و معارف اسلامی مشهد*، ش ۱۰، بهار ۱۳۵۳، صص ۱۲۸ ـ ۱۵۱.

ـ نوری، ميرزا حسين؛ *الفيض القدسی فی ترجمة العلاّمة المجلسی*، ضميمة *بحارالانوار* (با مشخصات پيشگفته)، ج ۱۰۲.